دورنما

ترجمه:
زهراسادات آفرینی

فرود گریز ناپذیر فواره تحریم‌های ایران

بایدن تحریم‌ها را کاهش نداد، فروش نفت ایران بیشتر شد

از هفتم اکتبر، یعنی همان زمانی که جنگ اسرائیل و حماس آغاز شد، صداهایی در واشینگتن به شکلی فزاینده، دولت بایدن را به دلیل آنچه آنها اجرای ناکافی تحریم‌های نفتی علیه ایران می‌دانند، سرزنش کردند و به همین دلیل لوایحی در کنگره امریکا پیشنهاد شد تا این دولت را وادار به اجرای مؤثرتر تحریم‌ها علیه صنعت نفت ایران کند. اگرچه تحریم گسترده‌ای که پس از تصمیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق امریکا مبنی بر خروج از برجام بر اقتصاد ایران اعمال شد همچنان پابرجاست، اما فروش نفت ایران افزایش یافته است، ضمن اینکه گزارش‌های داخلی حاکی است درآمد صادرات ترکیبات هیدروکربن ایران در سال ۲۰۲۲، مبلغ ۴۲ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با ۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ و ۱۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ افزایش قابل توجهی داشته است.

■ افزایش فروش از زمان ترامپ

در چنین شرایطی، جمهوریخواهان اعم از تدکروز و یک گروه که از کمپین فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران حمایت می‌کرد می‌گویند که دولت بایدن عمداً فرار ایران از تحریم‌های فراسرزمینی ایالات متحده را نادیده گرفته است. حتی وال استریت ژورنال هم دولت بایدن را متهم کرد تحریم‌های نفتی مرتبط با ایران را اجرا نمی‌کند. این تصور که دولت وی عمداً اجازه فروش نفت ایران را می‌دهد، حتی در میان کارشناسان باتجربه انرژی نیز مطرح است، مثلاً هنری رم از مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک تأکید داشت در حالی که کمپین فشار حداکثری هنوز برقرار است، بایدن به شیوه‌ای سازمان یافته آن را اجرا نکرده است. در شرایطی که صادرات نفت ایران در دوره دولت بایدن رشد قابل توجهی داشته است، داده‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد بازیابی فروش نفت ایران از سطوح بسیار پایین در اوایل سال ۲۰۲۰ و در واقع از زمانی آغاز شد که دولت ترامپ هنوز سر کار بود. اواخر همان سال، شرکت‌هایی که تجارت جهانی نفت را رصد می‌کنند، جهش قابل توجهی در صادرات ایران گزارش کردند. سه شرکت برجسته که تجارت جهانی انرژی را رصد می‌کنند به وال استریت ژورنال گزارش دادند صادرات نفت ایران در پاییز ۲۰۲۰ نسبت به اوایل همان سال بیش از دو برابر شده است.

■ بایدن هم در تحریم کوتاهی نکرد

باید در نظر داشت چنین وضعیتی به این معنا نیست که ایالات متحده در دوران بایدن رویکرد توأم با انعطافی را در پیش گرفته است. در واقع، دولت ترامپ آنقدر ایران را تحریم کرده بود که در آخرین سال ریاستش دولت اعلام کرد در اهداف تعیین‌شده در این زمینه کوتاهی نکرده است تا جایی که رابرت اوبراین، مشاور امنیت ملی وقت امریکا هم گفت مشکل موجود درباره کشورهایی مانند ایران این است که در حال حاضر آنقدر تحریم علیه این کشورها وجود دارد که می‌توان گفت کار چندانی باقی نمانده است، اما همه اینها بدان معنا نیست که دولت بایدن تلاشی برای کاهش سرعت فروش نفت ایران نکرده است. علاوه بر تحریم‌های جدید که شبکه‌های پتروشیمی و منافذ فرار از تحریم‌ها را هدف قرار می‌دهد، دولت بایدن در این راستا اقدام کرده است که کشورها، امتیاز برافراشتن پرچم‌های خود را برای کشتی‌های متهم به حمل نفت ایران لغو کنند.

> در شرایطی که صادرات نفت ایران در دوره دولت بایدن رشد قابل توجهی داشته، داده‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد بازیابی فروش نفت ایران از سطوح بسیار پایین در اوایل سال ۲۰۲۰ و در واقع از زمانی آغاز شد که دولت ترامپ هنوز سر کار بود

■ تأثیر عضویت ایران در بریکس و شانگهای

درباره فراز و فرودهای گفته شده، چند توضیح ضروری است؛ اول اینکه صادرات نفت ایران در طول سال‌های دولت ترامپ، نه تنها به دلیل تحریم‌ها بلکه به دلیل همه‌گیری کووید-۱۹ و کاهش رشد اقتصاد جهانی کاهش یافته بود، به عبارتی، در حالی که ارقام کم صادرات ایران در این مدت، مدیون کمپین فشار حداکثری دولت ترامپ بود، کاهش گسترده‌تر تقاضای جهانی هم در این زمینه نقش بسزایی داشت. دوم اینکه افزایش تقاضا پس از کاهش همه‌گیری، فشارهای قیمتی جدیدی را ایجاد کرد و باعث شد پالایشگاه‌های کوچک و مستقل چین که همیشه به دنبال رقابت با غول‌های بزرگ‌تر پالایشگاهی دولتی می‌گردند، به دنبال نفت ایران باشند، چراکه ایران، نفت خود را با تخفیف عرضه می‌کند. عامل سوم به ارتقای همکاری ایران و چین در سال‌های اخیر مربوط است. دو کشور در مارس ۲۰۲۱ یک قرارداد همکاری اقتصادی ۲۵ ساله و اخیراً مجموعه‌ای از قراردادها را برای عملیاتی کردن این پیمان امضا کرده‌اند. ایران همچنین به توافقنامه همکاری شانگهای و گروه کشورهای بریکس پیوسته است. چهارم اینکه طی دو دهه گذشته، چین راهبرد محتاطانه‌ای را در غرب آسیا دنبال کرده است که از پکن می‌خواهد خود را به عنوان یک مانع بزرگ برای طراحی‌های امریکا در منطقه معرفی نکند. هدف این راهبرد که به تعویق انداختن وخامت جدی روابط چین و امریکا بود، بدون شک بر تجارت چین و ایران اثر نزولی داشته است. در نهایت هم می‌توان به این نکته اشاره کرد که از زمان شروع کمپین تحریم‌ها علیه روسیه، بسیاری از بازیگران جدید در تحریم تجارت شرکت کرده‌اند. روسیه تاکنون بزرگ‌ترین اقتصادی است که به طور کامل هدف کمپین تحریم‌های غرب قرار گرفته است. همچنین در طول مدت زمان روی کار بودن دولت بایدن، کنترل‌های صادراتی علیه چین افزایش چشمگیری داشته است. از آنجا که تحریم‌ها به سلاح منتخب غرب در دوره جدید رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل شده‌اند، انگیزه‌های مالی بسیار بیشتری برای پکن، مسکو و شرکای تجاری آنها از جمله ایران در سراسر جهان وجود خواهد داشت تا تجارت تحریم‌شده را تسهیل کنند.

در نهایت، توجیه افزایش فروش نفت ایران با تکیه بر اینکه دولت بایدن رویکرد ملایم‌تری در برابر ایران در پیش گرفته است، کافی نیست، زیرا مشخص نیست که اگر موضع تهاجمی‌تر دولت ترامپ تداوم داشت، نتیجه بهتری به دست می‌آمد. علاوه بر همه اینها همانطور که دست‌اندرکاران تحریم گفته‌اند، کشورهای هدف تمایل دارند در یک دوره زمانی خود را با تحریم‌ها وفق دهند و به این ترتیب، تأثیر تحریم‌ها به اوج خود می‌رسد و سپس تا حدودی کاهش می‌یابد، به همین دلیل باید گفت برای ادامه یک بازی بی‌پایان، محدودیت‌هایی دارد.

علی احمدی، پژوهشگر تحریم و عضو اجرایی در مرکز سیاست امنیتی ژنو

منبع: فارین پالیسی

چشم‌انداز

بن‌بست شورای امنیت در غزه

■ دکتر سیدرضا میرطاهر

رژیم‌صهیونیستی در واکنش به شکست آشکار نظامی، امنیتی و اطلاعاتی از حماس و دیگر گروه‌های مقاومت فلسطینی در عملیات طوفان‌الاقصی به بمباران بی‌سابقه نواحی مسکونی و تأسیسات عمومی نوار غزه پرداخته است. ادامه این وضعیت، بی‌تحرکی و انفعال شورای امنیت سازمان‌ملل می‌تواند به شکل‌گیری یکی از بزرگ‌ترین تراژدی‌های انسانی در قرن ۲۱ بینجامد. نقش‌آفرینی منفی ایالات‌متحده در جنگ غزه و جلوگیری از اقدام مؤثر شورای امنیت سازمان‌ملل با وتوی قطعنامه‌ها برای وادارساختن رژیم‌صهیونیستی به آتش‌بس در این جنگ برگ سیاه دیگری به کارنامه ضدانسانی امریکا در زمینه حقوق بشر و حمایت از تروریسم دولتی اسرائیل افزوده است. امریکا به عنوان عضو دائم شورای امنیت سازمان‌ملل قطعنامه پیشنهادی امارات را برای برقراری آتش‌بس در نوار غزه وتو کرد. در نشست اضطراری روز جمعه ۱۷آذر (هشتم دسامبر) شورای امنیت، قطعنامه پیشنهادی امارات به رأی گذاشته شد که از ۱۵عضو شورای امنیت ۱۳عضو رأی موافق، امریکا رأی مخالف و بریتانیا رأی ممتنع دادند. این پیش‌نویس قطعنامه خواستار «آتش‌بس فوری بشردوستانه» و از حمایت کشورهای عربی و اسلامی برخوردار بود.

■ فعال کردن ماده۹۹

این نشست در پی فعال کردن ماده۹۹ منشور ملل از سوی آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان‌ملل تشکیل شده بود. گوترش با توجه به گستردگی تلفات انسانی در غزه در پی جنگ اسرائیل علیه حماس، نامه‌ای را با استناد به ماده۹۹ منشور سازمان‌ملل به رئیس شورای امنیت ارسال کرده بود. این اولین باری بود که گوترش از زمانی که در سال ۲۰۱۷ به سمت دبیر کلی سازمان‌ملل رسید، این کار را انجام داد. ماده۹۹ منشور سازمان‌ملل که در تاریخ سازمان‌ملل متحد تنها ۹بار مورد استفاده قرار گرفته است، به دبیرکل این سازمان اجازه می‌دهدوقتی تصور کند «امنیت و صلح جهانی» به خطر افتاده است، اعضای شورای امنیت را به جلسه‌ای فوری فرا خواند و از آنها بخواهد اقدامی فوری در این باره اتخاذ کنند. در پی این نامه، نشست شورای امنیت درباره وضعیت غزه با حضور گوترش برگزار شد و کشورهای مختلف نظر خود را بیان کردند اما امریکا، یکی از پنج عضو دائم شورای امنیت که تا شب قبل از برگزاری نشست، سفیرش از اظهار نظر صریح درباره اقدام دبیرکل سازمان‌ملل خودداری کرده بود، در این نشست به صراحت اعلام کرد با قطعنامه پیشنهادی آتش‌بس فوری در غزه مخالف است.

> ماده۹۹ منشور سازمان‌ملل که در تاریخ این سازمان تنها ۹ بار مورد استفاده قرار گرفته است، به دبیرکل آن اجازه می‌دهد وقتی تصور کند «امنیت و صلح جهانی» به خطر افتاده است، اعضای شورای امنیت را به جلسه‌ای فوری فرابخواند و از آنها بخواهد اقدامی فوری در این باره اتخاذ کنند، ولی امریکا با وتوی قطعنامه شورای امنیت آن را به بن‌بست کشید

■ وخامت بی‌سابقه

اقدام گوترش در زمینه استفاده از ماده۹۹ منشور سازمان‌ملل برای تشکیل نشست فوری شورای امنیت با توجه به وخامت بی‌سابقه اوضاع نوار غزه در پی حملات بی‌وقفه و مکرر هوایی و زمینی رژیم‌صهیونیستی علیه این منطقه صورت گرفت. آمارها حاکی است بر اثر این حملات بیش از ۱۷هزارو ۵۰۰ نفر از فلسطینی‌ها که بیشتر آنها را کودکان و زنان تشکیل می‌دهند، شهید و بیش از ۴۲هزار نفر زخمی شده‌اند، با این حال به دلیل شدت حملات اسرائیل که به ویژه پس از آتش‌بس موقت هفت‌روزه تشدید شده است، به طور روزانه شمار بسیار زیادی از مردم غزه شهید و زخمی می‌شوند، بدون اینکه به کمک‌های درمانی دسترسی داشته باشند، ضمن اینکه به دلیل قطع کمک‌رسانی از طریق مرز رفح با مصر، اکنون مردم غزه با وخامت بی‌سابقه وضعیت غذایی و بهداشتی و پزشکی مواجه هستند. در عین حال مقامات تل‌آویو همچنان بر تداوم حملات بی‌رحمانه و ضدانسانی خود تأکید کرده‌اند. رژیم‌صهیونیستی پس از پایان آتش‌بس موقت هفت روزه حملات خود را به غزه تشدید کرده است. این حملات که از شدت کم‌سابقه‌ای برخوردار است، جان شمار قابل توجهی از فلسطینی‌ها را در نوار غزه گرفته و هزاران نفر دیگر را هم از خانه‌های‌شان آواره کرده است. یوآو گالانت، وزیر جنگ رژیم‌صهیونیستی در مصاحبه‌ای گفته است: «ما پیش‌بینی می‌کنیم جنگ (در غزه) با شدت کنونی‌اش دست‌کم به مدت دو ماه دیگر ادامه یابد. بعد از آن، عملیات «پاکسازی» برای از بین بردن گروه‌های حماس صورت می‌گیرد.» این اظهارات نشان می‌دهد به رغم فشارهای جهانی برای توقف حملات اسرائیل به نوار غزه، به دلیل حمایت‌های گسترده سیاسی و تسلیحاتی امریکا از رژیم‌صهیونیستی، مقامات ارشد این رژیم همچنان بر تداوم حملات تأکید کرده و در این راستا حتی مناطق امنی را که در غزه به ظاهر اعلام کرده‌اند نیز بمباران می‌کنند. «جان کربی» سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا در مخالفت با اظهارات حامیان حقوق مردم فلسطین در غزه اخیراً در زمینه استفاده از کلمه «نسل کشی» برای اقدامات رژیم‌صهیونیستی مدعی شده که این شیوه استفاده از کلمه مذکور نامناسب بوده و باید آن را برای حماس به کار برد. مردم غزه اکنون نه در شمال و نه در مرکز و حتی در جنوب غزه هیچ مأمن و مکان امنی در مقابل بمباران‌ها و گلوله‌باران‌های ارتش رژیم‌صهیونیستی ندارند و هواپیماهای اسرائیلی حتی مدارس و دیگر اماکن متعلق به «آنروا» را نیز بمباران می‌کنند.

■ ناتوانی شورای امنیت

به نظر می‌رسد شورای امنیت سازمان‌ملل در اجرای وظیفه اصلی خود، یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و پایان‌دادن به مناقشات منطقه‌ای با شکست مواجه شده است. با توجه به حق وتوی پنج عضو دائم این شورا یعنی امریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین، رسیدن به دیدگاه مشترکی درباره جنگ غزه که متضمن اجماع این کشورها و سایر کشورهای غیر عضو شورای امنیت باشد، بسیار دشوار به نظر می‌رسد. در این میان نقش کشورهای غربی عضو شورای امنیت به سرکردگی امریکا در جلوگیری از ادامه کشتار مردم غزه از سوی رژیم‌صهیونیستی آشکار است. ایالات‌متحده به عنوان حامی بی‌قیدوشرط اسرائیل با وتوی قطعنامه‌هایی که متضمن آتش‌بس در غزه هستند، عملاً به تل‌آویو برای کشتار و ویرانی بی‌حد در غزه چراغ سبز نشان داده است. به این ترتیب در حالی که اوضاع غزه از «فاجعه انسانی» عبور کرده و با عباراتی همچون «جهنم روی زمین» و «وضعیت آخرالزمانی» توصیف می‌شود، امریکا یک بار دیگر با وتوی پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت برای برقراری آتش‌بس فوری در غزه به رژیم‌صهیونیستی فرصت بیشتری برای نسل کشی فلسطینی‌ها داده است. در پی اقدام امریکا در وتوی قطعنامه شورای امنیت، گیلعاد اردان، نماینده دائم رژیم‌صهیونیستی در سازمان‌ملل از دولت جو بایدن قدردانی کرد و قطعنامه درخواست آتش‌بس فوری در غزه را «تحریف‌شده» خواند. دیمیتری پولیانسکی، معاون نمایندگی روسیه در سازمان‌ملل با انتقاد از اقدام ایالات‌متحده گفت: امریکا باز هم مانع آتش‌بس در غزه شد و ممانعت از آتش‌بس یعنی حکم اعدام امریکا برای هزاران و شاید دهها هزار فلسطینی. انفعال شورای امنیت باعث ویرانی‌های گسترده در غزه و فاجعه انسانی شده است. ژانگ جون، سفیر و نماینده چین در سازمان‌ملل با اشاره به اقدام واشینگتن گفت: ما متأسفیم که ایالات‌متحده از وتوی خود علیه قطعنامه‌ای که خواستار آتش‌بس در غزه با وجود ادامه کشتار در آنجاست، استفاده کرد. تأیید ادامه جنگ با ادعای نگرانی برای جان و امنیت مردم غزه در تضاد است.

■ افزایش مخالفت‌ها

مسئله مهمی که باید خاطر نشان شود، این است که به رغم بی‌عملی شورای امنیت سازمان‌ملل و نیز همراهی دولت‌های غربی با تل‌آویو در حملات به غزه، در سطح جهانی به ویژه در کشورهای غربی اعتراضات مردمی و برگزاری تظاهرات با هدف محکومیت اقدامات جنایتکارانه رژیم‌صهیونیستی و درخواست برای توقف حملات به مردم مظلوم غزه در دو ماه گذشته سیری صعودی داشته است، ضمن اینکه اکنون گروه‌های مردم‌نهاد و تشکل‌ها نیز خواهان آتش‌بس در غزه شده‌اند. در تازه‌ترین اقدام در این زمینه ۴۰تن از کارآموزان کاخ سفید در نامه‌ای سرگشاده خطاب به جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا از عملکرد وی در زمینه بی‌توجهی به درخواست‌های مردم امریکا مبنی بر برقراری آتش‌بس در غزه انتقاد کردند و خواستار برقراری هرچه سریع‌تر آتش‌بس در این منطقه شدند. در عین حال حمایت بایدن از حملات وحشیانه اسرائیل علیه نوار غزه انتقادات شدیدی را در جناح پیشرو حزب دموکرات به همراه داشته است. رشیده طلیب، عضو دموکرات مجلس نمایندگان امریکا گفته است: جو بایدن در جنگ غزه از «نسل کشی» علیه فلسطینی‌ها حمایت کرد و امریکایی‌ها این موضوع را در انتخابات سال ۲۰۲۴ فراموش نخواهند کرد. امریکایی‌های مسلمان و عرب‌تبار از حمایت‌های تمام‌عیار بایدن از اسرائیل در کشتار مردم فلسطین به شدت خشمگین هستند، هر چند رویگردانی آنان از بایدن در انتخابات ۲۰۲۴، شانس نامزدهایی مانند دونالد ترامپ را افزایش می‌دهد که به مراتب در حمایت از افراطی‌ترین جریان‌های سیاسی در اسرائیل، مصمم‌تر هستند.

چالش

آتش ۷ اکتبر در مناسبات مسکو- تل‌آویو

■ سجاد مرادی کلارده

روسیه به رغم اینکه در جنگ با اوکراین درگیر است و تحت فشار تحریم‌های اقتصادی و انرژی غرب قرار دارد، همچنان حوزه عمل و توان بازیگری خود را به عنوان یک قدرت بین‌المللی حفظ کرده است. رژیم‌صهیونیستی یکی از بازیگران مهم در سیاست خارجی روسیه است. قدمت روابط این دو که به دوره شوروی می‌رسد، با تکامل سیاست‌های راهبردی دو طرف در دوران پس از جنگ سرد، به تدریج با افزایش همراه شد. در طول دو دهه گذشته، از سوی روسیه تمایل زیادی برای گسترش این روابط دیده شده است. روسیه در موقعیت‌های گوناگون از جمله در موضوع فلسطین حامی رژیم اسرائیل بوده است. پوتین در اولین سفر خود به سرزمین‌های اشغالی حمایت جدی خود برای امنیت کشور یهود را ابراز کرد و در سال ۲۰۱۴، نه تنها از انتقاد علیه عملیات نظامی رژیم در غزه خودداری بلکه حتی با آن ابراز تفاهم کرد. روسیه همچنین با به رسمیت شناخت قدس غربی به عنوان پایتخت رژیم‌صهیونیستی در آوریل ۲۰۱۷، ضمن اعلام اینکه پایتخت آینده فلسطین در شرق قدس خواهد بود، اعلام کرد که هیچ قصدی برای خارج کردن سفارتخانه خود از تل‌آویو ندارد.

■ «بی‌بی» دیگر دوست پوتین نیست

از سوی دیگر، رژیم‌صهیونیستی نیز اشتیاق فراوانی برای روابط با روسیه در دهه گذشته نشان داده است. روابط دو طرف در زمان نخست‌وزیری نتانیاهو به گونه‌ای افزایش یافت که «بی‌بی» خود را دوست نزدیک پوتین دانست. او به این وسیله سعی داشت این پیام را منتقل کند که روابط نزدیک با پوتین به تضمین امنیت رژیم پس از مداخله نظامی روسیه در سال ۲۰۱۵ در سوریه کمک می‌کند و به حدی است که روسیه چشم خود را بر حملات تل‌آویو علیه اهداف ایرانی در سوریه بسته است. نتانیاهو حتی رقابت‌های انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۹ را با پوسترهای بزرگی که در حال دست‌دادن با رئیس‌جمهور روسیه بود، آغاز کرد و برخلاف کشورهای غربی نه تنها هیچ تحریم مالی علیه روسیه در جریان حمله به اوکراین اعمال نکرد بلکه با وجود درخواست‌های ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، از ارسال تسلیحات به کی‌یف امتناع کرد. تل‌آویو حتی در نیمه دوم سال ۲۰۲۳ با امضای توافق‌نامه‌های دوجانبه جدید در بخش‌های فرهنگی، رویکردی همکاری‌جویانه در قبال روسیه داشت، با این حال از آغاز عملیات طوفان‌الاقصی و حملات بی‌وقفه رژیم‌صهیونیستی به غزه، روابط مسکو- تل‌آویو به سمت واگرایی فزاینده پیش رفته است. پس از سفر مقامات حماس به مسکو، مقامات تل‌آویو از روسیه به عنوان دشمن وجودی اسرائیل و متحد حماس یاد کردند. بعد از آغاز جنگ در غزه نیز پوتین، رئیس‌جمهور روسیه عملیات حماس علیه رژیم‌صهیونیستی را محکوم نکرد و خواهان آتش‌بس شد. پوتین گفت که «وقتی به کودکان خون‌آلود نگاه می‌کنید، اشک از چشمان‌تان جاری می‌شود.» واسیلی نبنزیا، نماینده دائم روسیه در سازمان ملل نیز اظهار کرد که «اسرائیل به عنوان یک قدرت اشغالگر حق دفاع از خود را ندارد. ما خواهان توقف خونریزی در این منطقه هستیم.» از سوی دیگر گیلعاد اردان، سفیر رژیم در سازمان ملل، روسیه را به دلیل استفاده از حمله حماس برای منحرف کردن توجه جهان از حمله به اوکراین محکوم کرد و روسیه را آخرین کشوری دانست که می‌تواند به اسرائیل در مورد اخلاق آموزش دهد. همچنین تل‌آویو که پیش‌تر- قبل از حملات هوایی در سوریه- مسکو را در جریان قرار می‌داد، اکنون هشدار قبلی را متوقف کرده است که می‌تواند خطر رویارویی سهوی بین دو قدرت را افزایش دهد. رژیم‌صهیونیستی از این نگران است که افزایش تنش با روسیه ممکن است حمایت نظامی مسکو از دشمنان این رژیم را افزایش دهد.

■ «منفعت‌محوری» سیاست خارجی کرملین

درباره بالاگرفتن اختلافات دو طرف باید به چند نکته اشاره کرد. نخست اینکه منطق روابط با رژیم‌صهیونیستی مانند هر بازیگر دیگر از سوی روسیه ریشه در واقع‌گرایی منفعت‌محور روسی دارد که به عنوان اصل اساسی سیاست خارجی این کشور محسوب می‌شود. پوتین در یک سخنرانی در سال ۲۰۱۵ با تأکید بر اینکه «روسیه امروز دوره جدیدی را آغاز کرده... به گذشته بازنمی‌گردد... و وارد هیچ اتحاد مقدسی نخواهد شد» بر این رویکرد رئالیستی تأکید کرد. تأکید بر اثرمندی ابزار به جای شریک نه تنها در کلام سیاسیون روس، بلکه در منابع علمی این کشور از جمله در تکرار این کلیشه معروف رئالیستی که در عرصه بین‌المللی دوست و دشمن وجود ندارد- بلکه فقط منافع وجود دارد- نیز به چشم می‌خورد. نکته دوم وابستگی شدید رژیم‌صهیونیستی به ایالات‌متحده به ویژه بعد از روی کار آمدن مجدد پوتین و سیاست تهاجمی وی در قبال غرب، روابط مسکو- تل‌آویو را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع تل‌آویو که تاقبل از این روابط متوازن روسیه با مجموعه کشورهای منطقه را مفید می‌دانست و معتقد بود این امر می‌تواند نقش مهمی در رفع اختلافات و کاستن از تنش‌ها داشته باشد، در شرایط کنونی خواستار حمایت صرف روسیه است، این در حالی است که چنین رویکردی برخلاف اصول سیاست خارجی مسکو از جمله منفعت‌محوری آن است. بر همین اساس اسرائیلی‌ها در یک سال اخیر همسویی بیشتری با سیاست‌های ایالات‌متحده و غرب نشان داده و از روسیه دورتر شده‌اند، به ویژه حمایتی که بایدن و رهبران اروپا از رژیم‌صهیونیستی از زمان آغاز جنگ در غزه ارائه کردند، این دیدگاه را در تل‌آویو تقویت کرد که در مواقع فشار تنها غرب است که تکیه‌گاه واقعی خواهد بود. چه اینکه ایالات‌متحده در حمایت از این رژیم چند ناو هواپیمابر را به خط ساحلی مدیترانه اعزام کرد، فروش سلاح را گسترش داد و بودجه اختصاصی برای تقویت سامانه‌های گنبدآهنین در نظر گرفت، این در حالی است که پوتین امیدوار است ضعف تل‌آویو در جنگ کنونی را ببیند چراکه این مسئله را بیانگر نقطه‌ضعف غرب می‌پندارد. همراستا با این رویکرد غرب، اسرائیل نیز به دنبال پرهیز از اختلاف نظر با ایالات‌متحده و غرب در عرصه بین‌الملل است تا این حمایت در طول جنگ غزه حفظ شود. برای مثال در ۱۶نوامبر بانک‌های اسرائیلی، محدودیت‌هایی را برای حساب‌های اتباع روس بر اساس دستورالعمل اتحادیه اروپا اعمال کردند. نکته دیگر، انتخاب نزدیکی بیشتر به ایران از سوی روسیه است که ریشه در رویارویی گسترده‌تر مسکو و تهران با غرب دارد. پوتین هنگام استقبال از رئیسی در سفر یک‌روزه‌اش به مسکو گفت که «برای ما تبادل نظر درباره اوضاع منطقه به ویژه در مورد وضعیت فلسطین بسیار مهم است» و اساساً یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این سفر نیز چنانچه وزیر امور خارجه ایران گفت، رایزنی درباره جنگ غزه بود. از منظر رژیم‌صهیونیستی اتخاذ این موضع روسیه در نزدیکی به حماس و ایران، نشان‌دهنده وقفه در تلاش‌های طولانی‌مدت مسکو برای معرفی خود به عنوان یک میانجی بی‌طرف در غرب آسیا و شکست هدف دیرینه روسیه برای ظاهرشدن به عنوان یک قدرت بزرگ است. در مجموع از یک طرف می‌توان جنگ غزه و روابط با هر دو طرف جنگ یعنی رژیم‌صهیونیستی و حماس را به عنوان نمونه دیگری از منفعت‌محوری در سیاست خارجی روسیه دانست. از سوی دیگر، جنگ در غزه هر چند فشار بر مسکو در اوکراین را کاهش داد، اما روسیه این جنگ را نیز در قالب هماوردی با امریکا می‌بیند؛ موضوعی که باعث شده است رژیم‌صهیونیستی به عنوان متحد امریکا مغضوب روسیه واقع شود.

> جنگ در غزه هر چند فشار بر مسکو در اوکراین را کاهش داد، اما روسیه این جنگ را نیز در قالب هماوردی با امریکا می‌بیند؛ موضوعی که باعث شده رژیم‌صهیونیستی به عنوان متحد امریکا مغضوب روسیه واقع شود